

نقش مدرنیته (نوگرایی) در تغییرات فرهنگی مناطق روستایی با استفاده از مدل تشابه به حل ایدئال (TOPSIS)

نمونه موردی: دهستان شهدا بهشهر

محمد رضا نقوی^{۱*}، ابوذر پایدار^۲، سمیرا محمودی^۳

- ۱- مدرس مدعو جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور بهشهر، ایران
- ۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۹۰/۱۱/۹ پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۷

چکیده

در گذشته، سیر تحول فرهنگ و تمدن جوامع با شتاب یکنواختی همراه بوده که گاهی رویدادهای طبیعی یا غیرطبیعی آن‌ها را دستخوش تغییر می‌کرده است. با گسترش جوامع و پیشرفت‌های تکنولوژیکی، ارتباطها نیز گسترده‌تر شد. اکنون، انسان‌ها جهانی را پیش‌رو دارند که در آن معنای جدیدی از فرهنگ وجود دارد. امروزه، انسان‌ها با دهکده جهانی روبه‌رویند؛ جهانی که به‌واسطه رشد و پیشرفت به جهانی کوچک تبدیل شده است. اما در این دهکده وسیع جهانی افراد با یکدیگر مانند گذشته پیوندهای عمیق و آشنایی‌های دیرین ندارند. انقلاب صنعتی و نظام سرمایه‌داری به رشد سریع شهرها، حاکمیت بوروکراسی، گسترش فناوری‌های مدرن و تشکیل دولت-ملت‌های وسیع منجر شده و با گام نهادن در مسیر نوسازی، نگرش‌ها و ارزش‌ها متناسب با احراز فرایند توسعه تحول یافته است. جریان نوگرایی از بطن جوامع غربی برخاسته و از شرایط ویژه اقتصادی این جوامع است. این مقوله در آغاز چندان به‌صورت شفاف و برجسته مورد توجه قرار نگرفت؛ ولی به‌مرور اهمیت و اولویت آن اثبات شد. هدف این پژوهش، بررسی نقش نوگرایی در تغییرات فرهنگی مناطق روستایی است. محدوده مورد مطالعه ده روستا از روستاهای دهستان شهدا بهشهر است. روش تحقیق پیمایشی و توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات نیز اسنادی و میدانی از طریق پرسش‌نامه در قالب طیف لیکرت است و سؤال تحقیق با نرم‌افزار SPSS تحلیل شده است. با توجه به نتایج تحقیق و مقدار SIG به‌دست‌آمده از متغیرها که پایین‌تر از سطح آلفا 05/ بوده، درمی‌یابیم که بین نوگرایی و تغییرات



فرهنگی در سطح جامعه نمونه رابطه معناداری وجود دارد و بیشترین تغییرات آن در روستاهای کلیا، گت چشمه و کمترین آن در روستاهای پیتنه‌نو و سرخ‌گریوه مشاهده شده است.

واژه‌های کلیدی: توسعه روستایی، فرهنگ، نوگرایی، TOPSIS.

۱- مقدمه

استقبال شتاب‌زده، گسترده و مقلدمآبانه از فرایند مدرنیزاسیون- که در کشورهای جهان سوم به مد جمعی تبدیل شده است- معضلات و مسائل اغلب فرهنگی را در این جوامع به وجود آورده که هنوز هم دامنگیر آنهاست. بیشتر کشورهای که امروز با نام کشورهای در حال توسعه و به نسبت توسعه یافته شناخته می‌شوند، با چالش‌های این فرایند روبه‌رویند (صدیق سروستانی و قادری، ۱۳۸۸: ۳۶). در جامعه ایران و به‌ویژه مناطق روستایی مفهوم رشد، نوگرایی و تجدید سال‌ها موضوع بحث اندیشمندان بوده است. وجه اشتراک مباحث اندیشمندان در این است: در گذشته چگونه بوده‌ایم، اکنون چگونه هستیم و در آینده چگونه باید باشیم؟

تحولات جامعه روستایی ایران طیفی از تقابل را بین آنچه در گذشته بوده و آنچه نو (مدرن) است بازگو می‌کند (روزی بیدگلی، ۱۳۸۲: ۱۷۸). همان‌طور که می‌دانیم، پراکنش مردم در نواحی روستایی از شکل‌های نخستین پراکنش در قرن حاضر است. گسترده‌ی زندگی شهری و شهرگرایی و تمرکز سرمایه در شهرها موجب بی‌توجهی به مناطق روستایی شده است (Patrick, 2008: 458). روستا واحدی اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و مرکز جمعیتی از مردم یکجانشین است که قسمت اعظم درآمد آن‌ها از کشاورزی تأمین می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۰: ۱۸) و یا مکانی است که حیات اجتماعی آن درگرو فعالیت‌های کشاورزی و دامداری است (Sonnino & Marsden, 2008: 434).

مطالعات روستایی پس از جنگ دوم جهانی به آرامی با توسعه اجتماعی آغاز شد. در سال ۱۹۷۵م بانک جهانی اظهار کرد برنامه‌های توسعه روستایی جزئی از برنامه‌های توسعه‌ای هر کشور است و برای دگرگون‌سازی ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی طراحی شده است. این برنامه‌ها از سوی دولت و کارگزاران آن‌ها در مناطق روستایی اجرا می‌شود و در کشورهای در حال توسعه، دولت در ساخت جامعه به‌منظور هماهنگی با اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن نقش اساسی دارد (پاپلی و ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۵۱). در گذشته، خط

مشی روشنی برای بهبود فرهنگ روستایی وجود نداشت. توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی بیشتر در سیطره بهبود زندگی شهری بود. دیگر، مفهوم لیبرالیزم رفاه و آزادی فردی برای مناطق روستایی فراموش شده بود و فشار سیاسی دولت‌ها بیشتر در جهت بهبود کیفیت زندگی، فرهنگ و هویت شهری بود (Winkelstein & Walker, 2006: 334). به عبارتی، توسعه جوامع به سمت مدرنیته و نوگرایی (جوامع شهری و روستایی) را در بخش‌هایی مانند رشد، توسعه، مشارکت، خانواده، روابط انسانی، اعتماد اجتماعی، هویت و غیره دگرگون کرده است (Harre & Muller, 2008: 68). در تصورات مردم نوگرایی زمینه‌نابودی فرهنگ مناطق روستایی را فراهم کرده است (Traphagan & Thompson, 2006: 2). نواحی روستایی با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی روبه‌رو شد و ظرفیت‌های فرهنگی منحصر به فرد در هریک از این نواحی آرام‌آرام از صحنه خارج شد و شیوه‌ای جز نوگرا شدن و سازگاری با هویت جدید نیافت (Ghanaian & Chronicle, 2010: 3). ریموند ویلیامز، استاد دانشگاه کمبریج، در شناخت مفاهیم فرهنگ به وابستگی میان فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند و می‌گوید فرهنگ به روابط اجتماعی گروه ساختار و شکل می‌دهد (شکوئی، ۱۳۸۶: ۲۰۵). این مقوله در آغاز چندان به صورت برجسته مورد توجه قرار نگرفت؛ ولی کم‌کم اهمیت آن اثبات شد. بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه به اشتباه مواهب طبیعی و توانمندی صنعتی را شایستگی‌های محوری و اصلی خود تلقی کردند و نقش فرهنگ را به‌عنوان بستر و زیرساخت اصلی نادیده گرفتند. اما کم‌کم و با پیچیده‌تر شدن اوضاع و ناکامی بسیاری از کشورها، سیاست‌گذاران به بازبینی و مطالعه مسائل و تنگناهای موجود پرداختند و دریافتند که عملاً بدون وجود شالوده فرهنگی مناسب و بارور دستیابی به توسعه توهمی بیش نیست (پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۷). نواحی روستایی شکل‌هایی از سنت‌ها، آیین‌ها، ارزش‌ها، رسوم، فرهنگ و هویت مشخصی را در خود داشتند و با چنین ویژگی‌های درهم‌تنیده‌ای چشم‌انداز روستایی را طبقه‌بندی می‌کردند؛ اما دیگر راهی جز حرکت به سوی نوگرایی فرهنگی، تأثیرات ساختارگرایی و الگوهای اقتصادی پیش‌رو نداشتند. این تأثیرات آزادی، رفاه، لیبرالیسم، هویت دینی و ملی را در سطح نواحی روستایی دستخوش پیامدهای نوگرایی کرد. خانواده‌ها با دگرگونی‌هایی مواجه شدند و آرمان‌گرایی مفهومی دیگرگون پیدا



کرد. در این فرایند تحول، گروه‌های کارگری، کشاورزی و غیره دفن شدند (Blaga, 2008: 6-10).

اینکس و اسمیت نوگرایی و نوسازی را نوعی فرایند اجتماعی و روانی می‌دانند که طی آن، افراد نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید مدرن را کسب می‌کنند؛ یکی از آن‌ها خصوصیات درونی است که به نظرها، ارزش‌ها و احساسات انسان بازمی‌گردد و دیگری محیطی است که افراد در آن زندگی می‌کنند (روزی بیدگلی، ۱۳۸۲: ۱۷۸). آهنگ تغییرات فرهنگی و اجتماعی همواره ثابت نیست. اگر تغییرات فرهنگی شامل دگرگونی‌ای باشد که در چند دهه یا چند نسل پدید آید و اغلب فرد نتواند در طول زندگی‌اش شاهد آن باشد، در این صورت تغییرات اجتماعی و فرهنگی آهسته خواهد بود (خاکپور و شیخ مهدی، ۱۳۹۰: ۱۳۶)؛ زیرا گام نهادن در مسیر تحول و نوگرایی زمانی موفق خواهد بود که نگرش‌ها و ارزش‌ها متناسب با احراز فرایند توسعه و تحول باشد (روزی بیدگلی، ۱۳۸۲: ۱۷۸).

تحقیق حاضر برآن است تا با بررسی و تحلیل نقش نوگرایی در تغییرات فرهنگی نواحی روستایی با شاخص‌های هویتی، روان‌شناختی، خانوادگی و وحدت و انسجام فکری به این سؤال اساسی پاسخ دهد: آیا بین مدرنیته (نوگرایی) و تغییرات فرهنگی در سطح جامعه نمونه رابطه معناداری هست؟

۲- مبانی نظری

اگرچه از فرهنگ به سبک کلی زندگی انسان یاد می‌شود، این سبک کلی از تعاملات انسانی شکل می‌گیرد؛ یعنی برخاسته از ارزش‌ها و هنجارهاست که جوهره فرهنگ هستند. فرهنگ محصول جمعی انسان‌ها، قابل انتقال و اکتساب، پویا و انعطاف‌پذیر، برگشت‌پذیر و متأثر از محیط است (شاه‌طالبی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۸). فرهنگ نقش‌پذیری کارکردی و توسعه‌یافتگی تاریخ یک ملت است و برخاسته از رسوم، سنت‌ها، عادات‌ها و ارزش‌های جامعه (Goodman, 2009: 14). آنتونی گیدنز فرهنگ را مشتمل بر دو نوع مادی و معنوی می‌داند و معتقد است از سه عنصر مهم که در بستر زمان شکل می‌گیرند، تشکیل شده است: ۱-

ارزش‌ها^۱ و ایدئال‌های مجردی که اعضای گروه اجتماعی به آن‌ها اعتقاد دارند. ۲- هنجارها^۲ و اصول قطعی اجتماعی که اعضا باید آن‌ها را رعایت و از آن‌ها پیروی کنند. ۳- کالاهای مادی^۳ با ویژگی‌های خاص که اعضای گروه تولید می‌کنند (گدازگر، ۱۳۷۷: ۲۴۹).

فرهنگ به معنای الگوهای رفتاری آموخته‌شده‌ای است که از نسلی به نسل دیگر یا گروهی به گروه دیگر منتقل می‌شود و برپایه واقعیت‌های ذهنی و اجتماعی شکل می‌گیرد. انسان‌ها در جوامع زندگی می‌کنند و هر جامعه‌ای فرهنگی دارد. اما عناصر فرهنگ ممکن است بی‌اختیار از نظامی به نظام دیگر راه یابد که به آن «پراکنش فرهنگی» می‌گویند. پس هر جامعه بشری نظام اجتماعی و فرهنگی خود را دارد که به‌طور کلی، نمودی است خاص و بی‌همتا از فرهنگ بشری. اما نظام‌ها از نظر ساخت با هم متفاوت‌اند. در هر نظامی با توجه به زیستگاه‌های طبیعی، منابع، زبان و غیره فرهنگ خاصی حاکم است (شمس و امینی، ۱۳۸۸: ۸۴). مدرنیته را می‌توان مجموعه فرهنگ و تمدن اروپایی از رنسانس به این سو دانست و یا آن را امروزی (امروزی شدن)، نوحواهی و تجدد نامید. به گفته هگل، آنچه عقلانی است واقعی و آنچه واقعی است عقلانی. بسیاری باور دارند که نوگرایی یعنی روزگار پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی (اسطوره‌ای، اخلاقی، دینی و فلسفی) و انتقادی مداوم از سنت و از خودش است (شکوئی، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

واژه «مدرن» به معنای «امروزی» و «جدید» است و مدرنیسم یعنی نوگرایی، امروزی شدن و نگاه نو به هستی و زندگی آدمی داشتن. اصطلاح «مدرنیته» اولین بار در آثار ژان ژاک روسو، فیلسوف فرانسوی، در قرن هجدهم به کار رفت. در فارسی، معمولاً کلمه «تجدد» را برابر «مدرنیته» به کار می‌برند که با تجددگرایی (مدرنیسم) تقریباً مترادف است و کاربرد همسانی دارد. ویژگی اصلی مدرنیته، تحول دائمی و پویایی است. بنابراین، می‌توان از تعبیر پیتر آژبورن، جامعه‌شناس معاصر آمریکایی، استفاده کرد که مدرنیته را تازگی و نو بودن زمان حال و گسست از گذشته می‌داند. مدرنیته (نهضتی فکری که همچنان ادامه دارد) همواره خود را در ستیز و چالش با کهنگی، کهنه‌پرستی و عقب‌افتادگی قرار می‌دهد (باقری بروجردی، ۱۳۸۲: ۳۰). مدرنیسم پدیده‌ای است که نخستین نشانه‌های آن با آغاز دو انقلاب صنعتی و سیاسی در

1. values
2. norm
3. materialgoods



انگلستان و فرانسه در سده هجدهم میلادی نمایان شد. این مکتب فکری ریشه‌ای دیرپا در اوایل قرن پانزدهم میلادی داشت و هم‌زمان با تولد تعریف جدیدی از انسان در اروپای شمالی مطرح شد. این مکتب همراه با ظهور دو انقلاب نام‌برده به‌عنوان یک الگوی نظری عام برای آزادسازی انسان از حصارهای غیرعقلانی، سنت‌گرایی‌های تحجرگونه و افسانه‌های موهوم معرفی شد و انسان مدرن را دارای ویژگی‌هایی مانند آمادگی جهت پذیرش تجربه‌های جدید، استقلال، علم‌گرایی، تحرک‌گرایی، استفاده از برنامه‌ریزی و غیره دانست (چوپانی، ۱۳۸۸: ۱۰).

بیشتر جامعه‌شناسان معتقدند جریان نوگرایی از بطن جوامع غربی برخاسته و برآمده از شرایط ویژه اقتصادی این جوامع است. به عبارت دیگر، همه آن ویژگی‌هایی که در پیدایش جریان نوگرایی دخیل بوده‌اند، با مجموعه‌ای از تغییراتی در ارتباط‌اند که هسته اصلی آن‌ها را تحولات اقتصادی تشکیل داده است. جوامع غربی در مسیر حرکت تدریجی به سمت توسعه و صنعتی شدن، نظام ارزشی متناسب با نظام اقتصاد سرمایه‌داری را نیز بسط داده‌اند. اما در کشورهای جهان سوم وضع به‌گونه‌ای دیگر است. در این کشورها، توسعه صنعت در قالب فرایند نوسازی از غرب وارد شده و نوگرایی همچون پدیده‌ای بیگانه، با بستر فرهنگی و نظام سنتی این جوامع در تعارض قرار گرفته است (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۴). واقعیت این است که فرهنگ‌ها در گذر زمان دستخوش دگرگونی می‌شوند. مد لباس، موسیقی و معماری‌ای که در گذشته مورد قبول بوده، متفاوت با آن چیزی است که امروزه ترجیح می‌دهیم؛ زیرا فرهنگ، جذابیت و نوع لذت بردن ما را تغییر داده است. فعالیت‌های گوناگون انسان‌ها در زندگی نوع فرهنگ آن‌ها را نشان می‌دهد. سنت‌ها و آیین‌ها و فعالیت‌های مذهبی بیانگر فرهنگ است. یکی از اهداف توسعه فرهنگی، دفاع از هویت فرهنگی ملت‌ها و تعالی بخشیدن به آن بوده است. هویت فرهنگی شامل هویت دینی، قومی، زبانی، هنری، تاریخی و جغرافیایی است که مستلزم توجه اساسی به آثاری است که به‌صورت آموزه‌های مکتوب و شفاهی، ارزش‌ها و سنت‌ها در جامعه وجود دارند (پورطاهری و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۸). در فرهنگ‌های سنتی چهار زمینه محلی شامل خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی یا دین با فرایندهای اجتماعی غالب در ارتباط هستند (حیدرآبادی، ۱۳۸۹: ۴۹).

اهمیت فرهنگ در دو جنبه خلاصه می‌شود: نخست جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگری نقشی که فرهنگ در پیشرفت جوامع ایفا می‌کند (مظاهری و

دیگران، ۱۳۸۸: ۸). برنامه توسعه روستایی باید دربرگیرنده فرایندهای توسعه‌ای نظیر توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، محیطی و توسعه مشارکتی در سطح روستاها باشد (Shucksmith, 2000: 2). شناسایی نواحی روستایی قبل از زایش تراوش‌های طبیعی و ارتباط زمین با منابع تولیدی پایه، اساساً با درجه بالایی از استانداردسازی، عادت‌ها، ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها، سیاست‌ها، وجدان‌ها و نگرش‌های رفتاری در میان ساکنان روستایی به‌وجود آمده است (Petkovic, 2007: 30). مطالعات تاریخی نشان می‌دهد جامعه روستایی در ایران دیرزمانی است با پدیده نوسازی روبه‌رو شده است. این رویارویی در ابتدا بسیار کند بوده؛ اما همواره به‌شکل دیالکتیکی بین سنت و نوگرایی جریان داشته و در چهار دوره تاریخی قاجار، پهلوی اول، پهلوی دوم و جمهوری اسلامی پدیدار شده است. نظریه‌های نوسازی بیان می‌کنند که عواملی مانند ارتقای شهرنشینی، صنعتی شدن، سطح تحصیلات، پایگاه اجتماعی، نحوه جامعه‌پذیری، ارتباطات (شامل حمل‌ونقل، پست و رسانه) و ایدئولوژی حکومت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم جامعه روستایی را به‌سوی نوسازی هدایت می‌کنند. افراد نوگرا نیز دارای ویژگی‌هایی مانند علم‌گرایی، تساوی‌طلبی، گرایش جهانی، پیشرفت‌گرایی، استقلال‌طلبی، گرایش مدنی، گرایش دموکراتیک، خطرپذیری و پذیرش تجربه‌های جدید هستند (روزی بیدگلی، ۱۳۸۲: ۱۸۵). ادوارد تیلور، مردم‌شناس انگلیسی، فرهنگ و تمدن را مجموعه‌ای پیچیده از معرفت، عقاید، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم و همه قابلیت‌ها و عادت‌هایی می‌داند که انسان در جایگاه عضوی از جامعه می‌پذیرد (زیاری، ۱۳۸۲: ۹۷). در سال ۱۹۸۰م ضرورت توجه به فرهنگ آشکارتر و در سال‌های ۱۹۹۰م اهمیت آن انکارناپذیر شد. شاید دلیل بسیاری از نابسامانی‌ها و گمراهی‌های طرح‌های توسعه به‌معنای عام و توسعه روستایی به‌معنای خاص در جهان را باید در بی‌اعتنایی به فرهنگ روستایی ردیابی کرد (پورطاهری و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۷).

براساس نظریه کارکردگرایی، در مطالعه تغییرات فرهنگی پیوستگی و کلیت اجزاء و عناصر اصلی آن مهم است؛ زیرا با تکیه بر این نظریه می‌توان فرایندها و تغییرات فرهنگی نواحی روستایی را بازشناخت. در نظریه کارکردگرایی، منظور از اصل جامعیت آن است که هر پدیده مادی و اجتماعی به‌عنوان جزء در نظر گرفته و در رابطه با کل تحلیل می‌شود. مکتب کارکردگرایی اجزای فرهنگ را دارای پیوستگی و وابستگی متقابل می‌داند. تغییرات فرهنگی



گاهی از دیدگاه ساختارگرایی نیز مطالعه می‌شود. ساختارگرایی نظریه‌ای در علوم اجتماعی است که در آثار زبان‌شناسان و انسان‌شناسان فرانسوی ریشه دارد. این نظریه نیز به تغییر اعتقاد دارد و آن را درون ساختارهای اجتماعی (برای مثال ساخته‌ای خویشاوندی و یا ساخته‌ای دینی) گریزناپذیر می‌داند (پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

مطالعات اندیشمندانی مانند وبر^۱، پارسنز^۲، دورکیم^۳، زیمل^۴ و صاحب‌نظران مکتب نوسازی ارتباط تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در مناطق روستایی نشان می‌دهند. ماکس وبر با شناخت عمیق و تحلیل ساختاری دقیق نهادهای اجتماعی به صورت تطبیقی توانست نقش ارزش‌ها در تعیین کنش افراد را در چارچوب نظری قرار دهد. اهمیت کار او در روش تحلیل نظام کنش‌های اجتماعی است که در آن باورها، ارزش‌ها و نیز نیروهای اقتصادی بر کنش تأثیر می‌گذارد.

پارسنز نیز بر این باور بود که پیشرفت در جامعه مستلزم پیچیدگی بیشتر است. تفاوت جامعه سنتی و مدرن در میزان تفکیک ساختی است. برای مثال، در جامعه سنتی خانواده هم متصدی آموزش است و هم بنگاهی اقتصادی به‌شمار می‌آید؛ اما در جامعه مدرن نهاد آموزش و نهاد اقتصاد از این پیکره جدا شده‌اند.

دورکیم نیز در آثار خود تحولات جدید و ویژگی‌های جوامع نوین و سنتی را تبیین کرده است. از دیدگاه او، مطالعه دین در زندگی انسان از این نظر مهم است که نخستین دستگاه تصویری که بشر از جهان و از هستی خودش پدید آورده، خاستگاه دینی داشته است و هیچ دینی نبوده که علاوه بر جنبه نگرشی به الوهیت، نوعی جهان‌شناسی هم در خود نداشته باشد. دیدگاه صاحب‌نظران مکتب نوسازی از جمله راجرز^۵، مک کله لند^۶ و غیره نیز درباره تغییرات فرهنگی درخور تأمل است. به اعتقاد راجرز، پذیرش نوآوری به فرهنگ بستگی دارد؛ زیرا در بعضی فرهنگ‌ها زمینه برای نوآوری بیشتر از سایر فرهنگ‌هاست (آزاد ارمکی و ظهیری نیا، ۱۳۸۹: ۲۸۳). بنابراین، از نظر وضعیت اجتماعی و فرهنگی، جامعه

-
1. Weber
 2. Parsons
 3. Durkheim
 4. Simmel
 5. Rogers
 6. McClelland

ایران در پنج دهه اخیر یکی از مهم‌ترین دوران‌های حیات خود را سپری کرده؛ به گونه‌ای که همواره در معرض برنامه‌های نوسازی و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و ساختارهای آن به وسیله مجموعه‌ای از رویدادهای تاریخی و جریان توسعه دگرگون شده است.

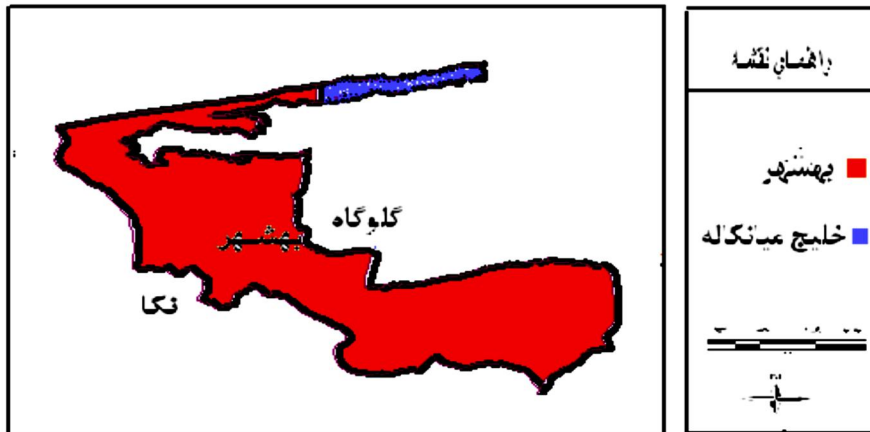
۳- روش تحقیق

روش این تحقیق پیمایشی و توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات نیز اسنادی و میدانی است. نگارندگان پرسش‌نامه‌ای در قالب طیف لیکرت طراحی کرده و به بررسی نقش نوگرایی در تغییرات فرهنگی مناطق روستایی در سطح جامعه نمونه پرداخته‌اند. جامعه آماری نیز ده روستای تحت نفوذ دهستان شهداست (انتخاب این ده روستا به دلیل اهمیت آن در میان روستاهای این دهستان بوده است). در نقشه و جدول شماره یک ۱۲۰ خانوار به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. براساس روش کوکران، ۱۲۰ خانوار روستایی به عنوان حجم نمونه تعیین و به روش تصادفی طبقه‌بندی برگزیده شده‌اند. سؤال‌های تحقیق با نرم‌افزار SPSS مبتنی بر آماره آزمون T، آزمون فریدمن و ضریب هم‌بستگی پیرسون تحلیل شده و از مدل TOPSIS برای اولویت‌بندی روستاها استفاده شد است.

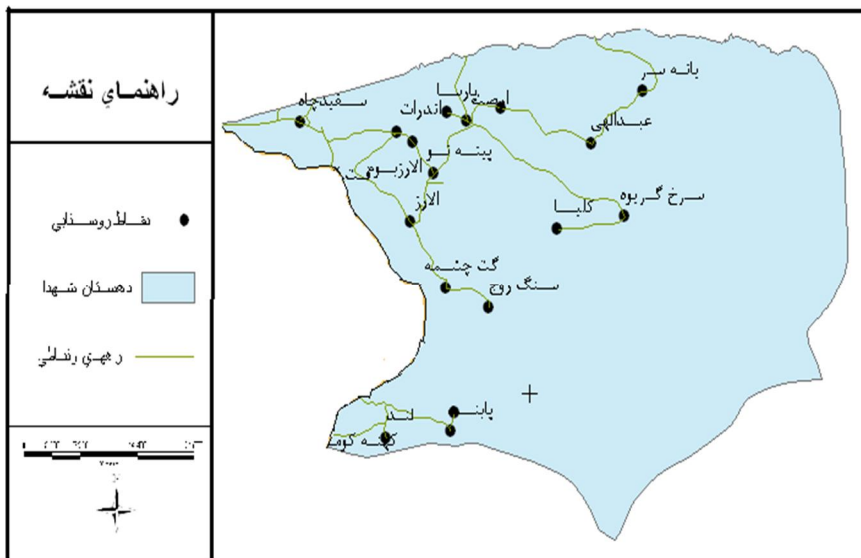
جدول ۱ ویژگی‌های جمعیتی روستاهای مورد مطالعه

نام روستا	بعد خانوار	تعداد جمعیت	تعداد نمونه
۱- کلیا	۳۴	۱۰۳	۱۲
۲- یابند	۱۴۶	۳۶۰	۱۲
۳- الارز	۳۰	۸۰	۱۲
۴- بیته نو	۱۰۴	۴۴۹	۱۲
۵- ارضت	۱۳۳	۵۴۰	۱۲
۶- اندرات	۳۱	۱۱۳	۱۲
۷- سرخ گریوه	۹۸	۳۴۲	۱۲
۸- عبدالهی	۵۷	۲۲۷	۱۲
۹- یارسا	۲۴	۷۵	۱۲
۱۰- گت چشمه	۵۲	۱۷۶	۱۲
مجموع	۷۰۹	۲۴۶۵	۱۲۰

(وزارت کشور، استانداری مازندران، ۱۳۸۵: ۴۵)



شکل ۱ تقسیمات سیاسی بهشهر



شکل ۲ روستاهای مورد مطالعه

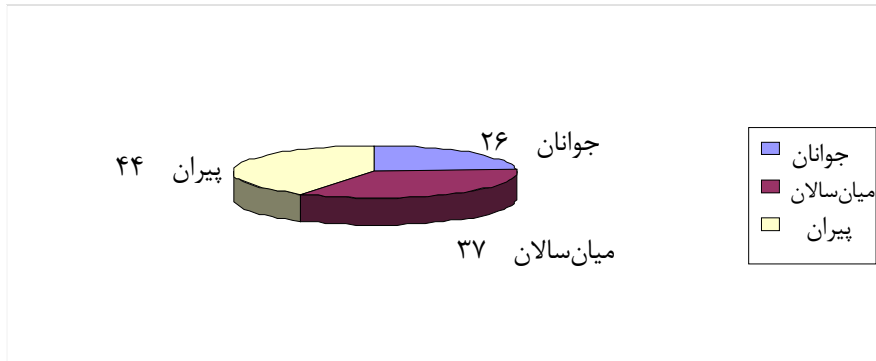
جدول شماره دو شاخص‌ها و تعداد گویه‌های مورد بررسی تغییرات فرهنگی در سطح جامعه نمونه را نشان می‌دهد.

جدول ۲ شاخص‌ها و گویه‌ها

تعداد	گویه‌ها	شاخص‌ها	عنوان
۱۵	روابط و تعاملات افراد خانواده، آرزوهای افراد خانواده، امید به زندگی افراد خانواده، فراگیری علم و دانش افراد خانواده، احترام به پدر و مادر از سوی افراد خانواده، احترام به بزرگ‌ترهای روستا، نوع و چگونگی آرزو کردن افراد خانواده، زمان‌های دیدن یکدیگر توسط افراد خانواده، نوع ارتباط افراد خانواده با یکدیگر، همدلی و همدردی افراد خانواده با یکدیگر، نوع همسریابی و همسرگزینی توسط والدین برای افراد خانواده، مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده، احساس خوشبختی و امنیت در خانواده.	خانواده	نوگرایی و تغییرات فرهنگی مناطق روستایی
۱۴	احترام به نمادها و ارزش‌ها (قرآن کریم، کتاب، قبله و ...)، روحیه همکاری، احترام به دولت و سیاست‌ها، احترام به حقوق دیگران، مشارکت و وحدت درونی، احترام به فرهنگ و زبان، وفاداری به اقوام و هویت، روابط اجتماعی و دوستی و معاشرت با خویشاوندان، پایبندی به دوستی‌ها، اعتماد به نفس، انگیزه پیشرفت ایمانی، توجه به توان خودی، حفظ ذخایر و سرمایه‌های روستا.	وحدت و انسجام	
۱۴	علاقه و افتخار به زبان محلی، آشنایی با بزرگان و عالمان محلی، علاقۀ و افتخار به وطن، دفاع از خاک، حفظ تعلق به ارزش‌ها و نمادها، علاقۀ به مردم، اعتقاد به خدا، اعتقاد به پیامبر و ائمه معصوم (ع)، شرکت در مراسم مذهبی تاسوا و عاشورا، پاسداشت عیدها و سنت‌ها (عید نوروز، چهارشنبه‌سوری و...)، توجه به میراث فرهنگی، افتخار به روستایی بودن، توسل به ائمه (ع)، احترام به شهیدان انقلاب.	هویتی	
۱۲	داشتن سلامت معنوی، آینده‌نگری، ایمان قلبی به خدا، سلامت روح و روان، اعتقاد به درمان بیماری‌ها، خودآگاهی، آگاهی از حقوق و مسئولیت اجتماعی، تصمیم‌گیری، مسئولیت‌پذیری، همدلی و ارتباط میان‌فردی، پوشش و لباس، استفاده از مشروبات الکلی، مواد مخدر، کلاهبرداری و نگاه مثبت به زندگی.	بهداشت جسمی و روانی	
۵۵	-	کل	

۴- نتایج تحقیق

براساس نتایج تحقیق، ۲۶ درصد از جمعیت روستایی را جوانان، ۳۷ درصد میان سالان و ۴۴ درصد آن را پیران و سال خوردگان تشکیل می دهند (شکل ۳).



شکل ۳ نسبت سنی جمعیت روستایی

همان گونه که جدول شماره سه نشان می دهد، براساس آزمون فریدمن، بین میانگین مؤلفه های خانواده، وحدت و انسجام، هویت و بهداشت و روان شناختی خانوارهای نمونه در سطح آلفا ۰/۰۵ تفاوت معناداری وجود دارد. در این میان بیشترین میانگین رتبه ای به مؤلفه خانواده و کمترین آن به بهداشت و روان شناختی اختصاص دارد.

جدول ۳ تفاوت معنادار میانگین رتبه ای خانوارها براساس آزمون فریدمن

مؤلفه	تعداد	میانگین عددی	میانگین رتبه ای فریدمن
خانواده	۱۲۰	۶/۴۳۰	۴/۰۲
وحدت و انسجام	۱۲۰	۶/۳۴۲	۳/۷۹
هویت	۱۲۰	۴/۶۰۱	۲/۱۲
بهداشت و روان شناختی	۱۲۰	۵/۴۱۱	۱/۱۰
کای دو		۱۹۸/۰۸۱	
درجه آزادی		۲	
سطح معناداری		۰/۰۰	

جدول ۴ تفاوت سطح معناداری بررسی نوگرایی فرهنگی

سطح معناداری	حد متوسط	میانگین وضع موجود	آماره t	شاخص‌ها	
۰/۰۰	۳۰	۳۱/۶۷	۴/۱۴	خانواده	تغییرات فرهنگی
۰/۰۰	۲۸	۲۹/۳۲	۳/۷۷	انسجام	
۰/۰۱	۲۸	۳۱/۲۶	۴/۰۷	هویتی	
۰/۰۳	۲۴	۲۵/۲۱	۳/۵۶	بهداشت و روان	
۰/۰۰	۱۱۰	۱۱۷/۴۶	۵/۸۷	کل	

همان‌طور که جدول شماره چهار نشان می‌دهد، با توجه به سطح معناداری در هر یک از شاخص‌های جامعه نمونه، رابطه در سطح آلفا ۰/۰۵ معنادار برآورد شده است؛ اما در این میان شاخص خانواده و انسجام بیش از همه از تغییرات فرهنگی تأثیر داشته‌اند.

با بررسی ضریب هم‌بستگی در سطح جامعه نمونه (جدول ۵ و ۶) بین شاخص‌های خانواده، انسجام، هویت و بهداشت و روان رابطه مستقیم ناقص وجود دارد و با توجه به اینکه مقدار P.VALUE به دست آمده کمتر از مقدار آلفا ۰/۰۵ است، فرض H_0 رد می‌شود؛ بنابراین در سطح جامعه نمونه بین نوگرایی و تغییرات فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵ محاسبه ضریب هم‌بستگی کلی شاخص‌ها

تغییرات فرهنگی	روستا		
تغییرات فرهنگی	۱	رابطه پیرسن	روستا
	۱۲۰	SIG	
	۱۲۰	N	
تغییرات فرهنگی	۱	رابطه پیرسن	تغییرات فرهنگی
	۱۲۰	SIG	
	۱۲۰	N	



جدول ۶ محاسبه ضریب همبستگی شاخص‌ها

بهداشت و روان	هویت	انسجام	خانواده		
*۰/۱۹۷	**۰/۳۷۶	**۰/۶۴۳	۱	رابطه پیرسون	خانواده
۰/۰۳۱	۰/۰۰	۰/۰۰		SIG	
۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	N	
**۰/۵۱۴	*۰/۵۶۵	۱	**۰/۶۴۳	رابطه پیرسون	انسجام
۰/۰۰	۰/۰۰		۰/۰۰	SIG	
۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	N	
**۰/۴۸۰	۱	*۰/۵۶۵	**۰/۳۷۶	رابطه پیرسون	هویت
۰/۰۰		۰/۰۰	۰/۰۰	SIG	
۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	N	
۱	**۰/۴۸۰	**۰/۵۱۴	*۰/۱۹۷	رابطه پیرسون	بهداشت و روان
	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۳۱	SIG	
۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	N	

*همبستگی معنادار در سطح ۹۹ درصد

**همبستگی معنادار در سطح ۹۵ درصد

۴-۱- مدل TOPSIS

در برنامه‌ریزی توسعه روستایی برای اولویت‌بندی روستاها از نظر توسعه یا برخورداری روش‌های متفاوتی وجود دارد. روش رتبه‌بندی براساس حل ایدئال یکی از پرکاربردترین و مفیدترین روش‌ها برای اولویت‌بندی روستاهاست. در تحقیق حاضر از روش TOPSIS استفاده شده است. به دلیل اهمیت موضوع، در ادامه این مدل را تشریح کرده‌ایم (عینالی، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

مرحله اول: تشکیل ماتریس داده‌ها براساس n آلترناتیو و k شاخص

$$A_{ij} = \begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} & \dots & a_{1n} \\ a_{21} & a_{22} & \dots & a_{2n} \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ a_{m1} & a_{m2} & \dots & a_{mn} \end{bmatrix}$$

مرحله دوم: استاندارد کردن داده‌ها و تشکیل ماتریس استاندارد از طریق رابطه زیر:

$$r_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^m a_{kj}^2}}$$

$$R_{ij} = \begin{bmatrix} r_{11} & r_{12} & \dots & r_{1n} \\ r_{21} & r_{22} & \dots & r_{2n} \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ r_{m1} & r_{m2} & \dots & r_{mn} \end{bmatrix}$$

مرحله سوم: تعیین وزن هر یک از شاخص‌ها w_i براساس $\sum_{i=1}^n w_i = 1$. شاخص‌های دارای اهمیت بیشتر از وزن بالاتری نیز برخوردارند.

$$V_{ij} = \begin{bmatrix} w_1 r_{11} & w_2 r_{12} & \dots & w_n r_{1n} \\ w_1 r_{21} & w_2 r_{22} & \dots & w_n r_{2n} \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ w_1 r_{m1} & w_2 r_{m2} & \dots & w_n r_{mn} \end{bmatrix}$$

مرحله چهارم: تعیین فاصله i امین آلترناتیو از آلترناتیو ایدئال (بالاترین عملکرد هر شاخص) که آن را با (A^*) نشان می‌دهند.

$$A^* = \left\{ \left(\max_i v_{ij} \mid j \in J \right), \left(\min_i v_{ij} \mid j \in j' \right) \right\}$$

$$A^* = \{v_1^*, v_2^*, \dots, v_n^*\}$$



مرحله پنجم: تعیین فاصله i امین آلترناتیو از آلترناتیو حداقل (پایین ترین عملکرد هر شاخص) که آن را با (A^-) نشان می دهند.

$$A^* = \left\{ \left(\min_i v_{ij} \mid j \in J \right), \left(\max_i v_{ij} \mid j \in J' \right) \right\}$$

$$A^- = \{v_1^-, v_2^-, \dots, v_n^-\}$$

مرحله ششم: تعیین معیار فاصله ای برای آلترناتیو ایدئال (S_i^*) و آلترناتیو (S_i^-) .

$$S_i^* = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^*)^2}$$

$$S_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2}$$

مرحله هفتم: تعیین ضریبی که برابر است با فاصله آلترناتیو حداقل (S_i^-) تقسیم بر مجموع فاصله آلترناتیو حداقل (S_i^-) و فاصله آلترناتیو ایدئال (S_i^*) که آن را با (C_i^*) نشان می دهند و از رابطه زیر استفاده می کنند:

$$C_i^* = \frac{S_i^-}{S_i^- + S_i^*}$$

مرحله هشتم: رتبه بندی آلترناتیوها براساس میزان C_i^* . این میزان بین صفر و یک $(0 \leq C_i^* \leq 1)$ در نوسان است. $C_i^* = 1$ بالاترین رتبه و $C_i^* = 0$ نیز کمترین رتبه را نشان می دهد.

بر پایه یافته‌های جدول شماره هفت، از میان شاخص‌های تأثیرگذار بر تغییرات فرهنگی نواحی روستایی - که با روش رتبه‌بندی توانی انجام شده است - شاخص خانواده با رتبه ۱ و وزن استاندارد شده ۰/۴۲۸ بیشترین ارزش عددی وزنی را داراست.

جدول ۷ وزندهی به شاخص‌های تغییرات فرهنگی به روش توانی

شاخص‌ها	خانواده	هویت	وحدت و انسجام	بهداشت و روان‌شناختی
رتبه مستقیم	۴	۲	۳	۱
توان وزنی	۱۵	۷	۱۰	۳
وزن استاندارد شده	۰/۴۲۸	۰/۲۰۱	۰/۲۸۵	۰/۰۸۵

نتایج تحقیق براساس آزمون تحلیل واریانس (جدول ۸) نشان می‌دهد این تفاوت در شاخص خانواده، وحدت و انسجام، هویت و بهداشت و روان سطح معناداری کمتر آلفا ۰/۰۵ را داراست.

جدول ۸ برآورد میانگین شاخص‌های فرهنگی از طریق آنالیز واریانس

روستا	میانگین شاخص‌ها		
	خانواده	وحدت و انسجام	هویت
کلپا	۲۱/۳۱	۳۲/۴۵	۲۱/۷۵
پابند	۲۴	۳۵	۳۳
الرز	۲۵/۲۵	۲۶/۴۱	۲۴/۴۱
پشته‌نو	۲۷	۳۲	۳۷
ارضت	۲۳/۰۱	۲۸/۵۴	۳۰/۵۰
اندرات	۲۶	۳۳/۲۱	۳۱/۰۰
سرخ‌گریوه	۲۹/۱۶	۲۸	۳۲
عبدالهی	۳۴/۸۵	۳۴/۲۵	۲۸/۲۵
پارسا	۳۴/۹۶	۳۵/۶۱	۳۴/۶۶
گت‌چشمه	۲۱/۱۰	۲۵/۰۰	۲۶/۰۸
مجموع	۲۳/۰۸	۳۳/۹۷	۳۶/۹۱
سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۰



نتایج تحقیق نشان می‌دهد با بهره‌گیری از روش تاپسیس برای رتبه‌بندی روستاهای دهستان شهدای بهشهر متناسب با تأثیرپذیری از شاخص‌های تغییرات فرهنگی و برحسب اوزان مورد محاسبه در هر شاخص (ر.ک جدول ۹) روستاهای کلیا، گت چشمه، الارز، پابند و اندرات به ترتیب بیشترین تأثیرپذیری و روستاهای پیتهنو، سرخ‌گریوه، ارضت، عبدالمهی و پارسا کمترین تأثیرپذیری را دارند.

جدول ۹ اولویت‌بندی روستاها براساس تغییرات فرهنگی با استفاده از روش تاپسیس

اولویت	ضریب CI	روستا
۱	۰/۸۴۱۰۲	کلیا
۴	۰/۵۸۰۱۲	پابند
۳	۰/۵۹۶۶۸	الارز
۱۰	۰/۰۰۴۸۵	پیتهنو
۸	۰/۱۷۳۳۳	ارضت
۵	۰/۴۱۳۴۵	اندرات
۹	۰/۰۷۹۷۱۸	سرخ‌گریوه
۷	۰/۲۷۵۰۰	عبدالمهی
۶	۰/۳۰۲۷۸	پارسا
۲	۰/۷۷۸۲۴	گت چشمه

۵- نتیجه‌گیری

تمایز میان سنتی و مدرن صرفاً ابزاری تحلیلی است و نه تمایزی انضمامی و عینی. به‌گفته نگری^۱ و هارت^۲، امروزه جهان سوم را درون جهان اول و جهان اول را درون جهان سوم می‌یابیم. در گذشته، کشورهای درحال توسعه به‌اشتباه مواهب طبیعی و توانمندی‌های صنعتی را شایستگی‌های محوری خود پنداشتند و نقش فرهنگ را به‌عنوان بستر و زیرساخت اصلی نادیده گرفتند؛ اما به‌مرور و با پیچیده‌تر شدن اوضاع و ناکامی بسیاری از کشورها، سیاست‌گذاران به بازبینی و مطالعه مسائل و تنگناهای موجود پرداختند. در چند دهه اخیر، در

1. Negry
2. Hart

جامعه ما تحولات عمیقی در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی رخ داده است. لازمه فرصت‌سازی و بهره‌گیری مطلوب از این تحولات، مقابله و مقاومت در برابر آنها نیست؛ بلکه استقبال از این تحولات و مدیریت آنها براساس الگوی اسلامی و ایرانی است. اما در این میان نواحی روستایی شکل‌هایی از سنت‌ها و آیین‌ها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، فرهنگ و هویت مشخصی دارند و راهی جز حرکت به سوی نوگرایی فرهنگی ندارند.

براساس آزمون فریدمن بین میانگین مؤلفه‌های خانواده، وحدت و انسجام، هویت و بهداشت و روان‌شناختی خانوارهای نمونه در سطح آلفا ۰/۰۵ تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین، با بررسی ضریب هم‌بستگی در سطح جامعه نمونه (جدول ۵ و ۶) بین شاخص‌ها یک نوع رابطه مستقیم ناقص وجود دارد. سرانجام، براساس روش TOPSIS به‌منظور اولویت‌بندی روستاها، روستای کلیا با رتبه ۱ بیشترین و روستای پیتنه‌نو با رتبه ۱۰ کمترین تأثیرپذیری از تغییرات فرهنگی را دارد.

۶- منابع

- آزاد ارمکی، تقی و مصطفی ظهیری‌نیا، «بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، س ۶، ش ۲۳، پاییز ۱۳۸۹.
- خاکپور، مژگان و علی شیخ‌مهدی، «بررسی فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان»، دوفصلنامه مدیریت شهری، ش ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
- باقری بروجردی، مهدی، «حدیث زندگی»، سنت و نوگرایی، ش ۱۳، مهر و آبان ۱۳۸۲، در: <http://www.hawzah.net>
- پورطاهری، مهدی، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و نعمت‌الله حسینی، «نقش میراث فرهنگی در کیفیت زندگی ساکنان روستایی مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان لامرد»، فصلنامه فضای جغرافیایی، ش ۳۳، دانشگاه آزاد واحد اهر، ۱۳۹۰.
- پورطاهری، مهدی، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و منصوره نیکبخت، «اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی نمونه موردی روستاهای بخش مرکزی شهرستان قزوین»، فصلنامه فضای جغرافیایی، س ۱۱، ش ۳۵، دانشگاه آزاد واحد اهر، ۱۳۹۰.



- پاپلی یزدی، محمدحسین و محمدمیر ابراهیمی، نظریه‌های توسعه روستایی، چ ۳، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
- چوپانی، یدالله، «پدیده جهانی شدن فرهنگ‌ها»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۳، پاییز ۱۳۸۸.
- حیدرآبادی، ابوالقاسم، «اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر آن مطالعه موردی جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله استان مازندران»، مجله تخصصی جامعه‌شناسی، س ۱، ش ۱، ۱۳۸۹.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی کارگروه تدوین شاخص‌های فرهنگی، شاخص‌های راهبردی، ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی، و ۳، ۱۳۸۹.
- روزی بیدگلی، زهرا، «نوگرایی زنان فعال در حوزه فرهنگی»، پژوهش زنان، د ۱، س ۳، ش ۷، پاییز ۱۳۸۲.
- رضوانی، علی اصغر، روابط متقابل شهر و روستا با تأکید بر ایران، چ ۴، تهران: انتشارات پیام نور، ۱۳۸۰.
- زیاری، کرامت‌الله، «تأثیر فرهنگ بر ساخت شهر با تأکید بر فرهنگ اسلامی»، مجله جغرافیا و توسعه، زمستان ۱۳۸۲.
- شمس، مجید و نصیره امینی، «ارزیابی شاخص فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در توسعه گردشگری»، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیای انسانی، س ۱، ش ۴، پاییز ۱۳۸۸.
- وزارت کشور- استانداری مازندران- معاونت برنامه‌ریزی دفتر آمار و اطلاعات، شناسنامه آبادی دهستان‌ها و بخش‌های استان مازندران، ج ۱، ۱۳۸۵.
- شکوئی، حسین، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، ج ۱، چ ۷، تهران: گیتاشناسی، ۱۳۸۳.
- _____ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، فلسفه محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، ج ۲، چ ۴، تهران: گیتاشناسی، ۱۳۸۶.
- شاه‌طالبی، بدری، آذر قلی‌زاده و سعید شریفی، «تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه ارزش‌ها و هنجارها برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی»، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ش ۵، ۱۳۸۸.

- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و صلاح‌الدین قادری، «ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن (به تفکیک دانشگاه محل تحصیل)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۲، ش ۸، زمستان ۱۳۸۸.
- قاسمی، وحید، فریدون وحید، رسول ربانی و زهرا ذاکری، «شناخت تأثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان»، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۱، ش ۱، بهار ۱۳۸۹.
- عینالی، جمشید، ظرفیت‌سازی برای کاهش اثرات سوانح طبیعی (زلزله) در مناطق روستایی نمونه موردی شهرستان خداآبند، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۹.
- گدازگر، حسین، «انواع بروکراسی و توسعه فرهنگی وبری»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۱۳۷۷.
- مظاهری، محمدمهدی، اسماعیل کاوسی و سیدرضا موسوی، «ارائه الگوی مناسب جهت تعیین اولویت‌های مراکز فرهنگی و تحول آن‌ها بر اساس رویکرد اسلامی ایرانی مطالعه موردی سازمان فرهنگی هنری شهرداری مشهد»، فصلنامه بصیرت، ش ۴۴، ۱۳۸۸.
- Dietmar, M., "Traditional and Modernization in East Central European Rural Societies", *International Conference, Institute for Cultural Studies*, University of Leipzig financed by Volkswagens, 2008.
- Donald, P. Goodman, "What is Culture", <http://gorpub.freeshell.org>, Version 1.2, 14 June 2009.
- Blaga, E., Occupational Tradition and Modernity in Rural Romanian Environment, MMFES, Bucharest, Archiva Zootechnica, 2008.
- Jelena, P., "Traditional Values and Modernization Challenges in Forming Urban and Rural Culture", UDC316.72; 316.334.56. Facta UNIVERSITATIS Series: *Philosophy, Sociology and Psychology*, Vol. 6, No. 1, 2007.
- Walker, J. & M. Winkelstein, MHS: Factors That Influence Quality of Life in Rural Children With Asthma and Their Parents, 2006.

- Ghanaian, Ch., Tuobodom Crisis; A Conflict between Tradition and Modernity, www.GhanaianModernity.com. 2010.
- Robert, J. Patrick, Designing Rural Residential Areas with Public Transit in Mind: Developing Indicators for Sustainable Transportation, 2008.
- Shuck Smith, M.V, Endogenous Development Social Capital and Social Inclusion: Perspectives from LEADER in the UK. Sociologia Ruralis, 2002.
- Marsden, T. & Roberta Sonnino, Rural Development and the Regional State: Denying Multifunctional Agriculture in the UK: 2008.
- Traphagan, W. & Christopher S. Thompson, *The Practice of Tradition and Modernity Contemporary Japan*, Chapter One, Sate University New York Press, 2006.

The role of modernity (of modernization), the cultural changes in rural areas using similarity to ideal solution (TOPSIS) sample:dehestan shohada behshar

Abstract

In the past evolution of culture communities were associated with a uniformly accelerated Normal or abnormal events and accidents that sometimes these changes has Community development and technological advances, wider and wider communication was Individuals, so that means a new world of culture has provided for them The human face of the global village, global growth and progress through to become a small world But in this global village, people with extensive knowledge of ancient and deep bonds with each other as in the past have The purpose of this study is to analyze the role of modernization in rural cultural changes. Range of 10 rural villages indehestan shohada beshar and survey research methodology and descriptive - analytical As well as a library and field data collection through questionnaires designed in Likert spectrum And research questions through software (SPSS) is analyzed. According to the results obtained from the SIG and the variables that low level of alpha / 05 was Can be inferred, there are examples that the significant relationship between modernism and cultural changes in society.

Keyword: modernism, culture, rural development, TOPSIS